



بازنشستگی، فاز دوره طلایی

برخی بازنشستگی را پایان کار می‌دانند، اما برای او، این دوران، آغاز یک فصل درخشان بود. پس از سی سال خدمت در یکی از مراکز بهداشتی شهر، کفش‌های کار را از پا درآورد تا بند کفش‌های شش‌اش را برای فتح سکوی قهرمانی محکم‌تر کند. سی‌مین خانم، گذار از دنیای کارمندی به ورزش، شبه‌اتفاق نیفتاد. اعتماد به نفس او ریشه در سال‌ها ده‌روی و ورزش در بوستان ملت داشت. همان جاکه شبیه‌های آخر هر ماه، علیان، مسئول آمادگی جسمانی، ه‌کوه نوردی آزادگان در حضور داوایی، رکورد سرعت شکاران دورینگ پیاده‌روی این بوستان را ثبت می‌کرد. خالی که سی‌مین خانم در پنجاه و پنج سالگی، نامش عنوان صاحب بهترین رکورد بانوان در آن مسیر ثبت بود. در دلش جرقه‌ای از یک آرزوی بزرگ تر روشن شد. مریف می‌کند: وقتی دیدم در مسابقات آمادگی جسمانی، در دو سرعت و استقامت رکوردهایی حتی فراتر از رکورد کنندگان رده‌های سنی پایین‌تر از خودم به ثبت رسانم، به این باور رسیدم که هنوز می‌توانم در میادین تهرهم حرفی برای گفتن داشته باشم.

اعتماد به نفس در کنار درخشش در مسابقات گیتی بدنی، او را وسوسه کرد تا در پنجمین رقابت‌های میدانی پیشکسوتان گام در میدان حرفه‌ای این رشته بی‌بگذارد. این چنین شد که به همراه وفایی، مربی فنی جسمانی، راهی کرج شد و آنجا برای نخستین بار مسابقات دوومیدانی پیشکسوتان کشور پایه پیست قه‌ گذاشت.

به نفس‌گیر مسابقه در کرج برای بانوی محله ججو، تکرار همان حس پیروزی‌های گذشته بود؛ اما بار با ابعادی بزرگ‌تر. او در اولین تجربه حضورش با دوومدال طلای سرعت و استقامت، قدرت اراده‌اش رخ همه کشید. برای او، پیست دوومیدانی حالا به ای تبدیل شده بود که در آن ثابت می‌کرد سن، تعددی است که در شناسنامه نوشته شده است، کارنامه زندگی.

بوارپوش ال و لوح افتخار

اگر بخواهید تمام مدال‌ها و احکام قهرمانی این بانوی ورزشکار را روی دیوارهای یک اتاق بچینید، فضای خالی پیدا نمی‌شود. او با لبخندی که ردی از سال‌ها تلاش در آن پیدا است، سنگینی را روی میز می‌گذارد؛ کیفی که گنجینه‌ای ریختن‌ها، تمرین‌های سخت و افتخار آفرینی‌ها را در خود می‌پوشاند. آمادگی جسمانی و چندین رزشی دیگر است.

خانم نایلوں‌های حاوی مدال‌هایی یکی از دل‌برون می‌کشد و روی میز می‌گذارد. مدال‌ها هر کدام ی‌کوچک، شناسنامه‌دار شده‌اند تا مشخص شود به کدام رشته ورزشی است. نظم و دقتی که در ی‌این گنجینه به کار رفته، نشان می‌دهد که این ابرای او، نه فقط تکه‌ای فلز، که روایتگر روزهای جان‌ناورزی زندگی‌اش هستند. در میان این همه ش، او از پانزده مسابقه در رشته دوومیدانی و در یکسوتان می‌گوید که در همه آن‌ها، جز یک بار، یز طلا از آن او بوده است.

اول در دوم!

در میان این همه مدال طلایک مدال نقره، داستانی تلخ را در دل خود پنهان کرده است. او خاطره مسابقات دو ۱۰۰ متر تهران را این‌گونه روایت می‌کند: آن روز اول شدم، اما ناگهان اعلام کردند غییر لاین داشته‌ام! من دهنده‌ای آماتور نبودم. یرو ۱۰۰ متر، از خط خارج شوم.

طعم خاک تا یلند

در تقویم خاطرات ورزشی سی‌مین خانم بهمن ماه ۱۴۰۳ جایگاه ویژه‌ای دارد؛ تاریخی که نه فقط برای او، که برای نام ایران در میدان‌های آسیایی باطعم شیرین پیروزی گره خورد. سی‌مین خانم با مرور آن روزها از تصمیمی می‌گوید که شاید در نگاه اول کمی جسورانه به نظر می‌رسید؛ آن‌هم در حالی که پایش در بند فیزیوتراپی گرفتار بود.

او دوست ورزشکارش، نسرين قدیمی، عزمشان را جزم کرده بودند تا در مسابقات آسیایی پیشکسوتان در تایلند پایه میدان بگذارند. وقتی از استان خراسان تنها نام این دو نفر به عنوان نمایندگان بانوان استان در میان سی دهنده اعزامی از سراسر ایران می‌درخشد، سنگینی مسئولیت دوچندان می‌شود.

سی‌مین با همان پای آسیب دیده، اما با قلبی که تپش‌هایش برای رسیدن به خط پایان بود، به دل میدان زد. حاصل این درخشش خیره‌کننده بود؛ دو مدال طلاد رشته‌های ۱۵۰۰ و ۴۰۰ متر و یک مدال نقره در دو ۲۰ متر، اما او این افتخار آفرینی، شکستن رکورد ۴۰ متر در سطح آسیا بود که نام سی‌مین را به عنوان رکورددار جدید در تاریخ این رشته ثبت کرد.

یادگاری گذاشتن مدال دودر پارک صلح

خاطرات بانوی ورزشکار محله دانشجو از تایلند، تنها به مدال‌ها ختم نشد. شاید زیباترین بخش این سفر زمانی بود که او به عنوان نماینده ژئوپلیتیک ایران با شعار «صلح و دوستی»، راهی پارک ژوراسیک تایلند شد. تیمی چهارنفره متشکل از دو سائیکل‌توریست (دو چرخه‌سوار گردشگر) و دو دهنده؛ تیمی که به خاطر حضور «شیرین»، خواهر سی‌مین در میان سائیکل‌توریست‌ها طعم خانوادگی و گرمی آن را دوچندان کرده بود.

آن‌ها چهار روز را در این پارک میهمان بودند؛ روزهایی که به گفت‌وگو و پیوند فرهنگ‌ها گذشت. او به نشانه قدردانی، یکی از مدال‌های طلای بارزش خود را به پارک ژوراسیک تقدیم کرد. ابتدا مقاومت آن‌ها را دید که از این هدیه بزرگ متعجب بودند و تواضع به خرج می‌دادند، اما وقتی اصرار او را برای ثبت این یادگاری از ایران دیدند، مدال را با احترام پذیرفتند. مدالی که حالا با توضیحی کامل درباره پیام صلح ایرانیان، در موزه آن پارک می‌درخشد.

سی‌مین خانم حالا یادآوری این سفر، نه فقط به مدال‌هایش، که به آن پیوند فرهنگی افتخار می‌کند. مدال‌هایش شاید در ویرترین خانه باشند، اما آن مدال طلایی که در تایلند به یادگار ماند، برای همیشه در حافظه جمعی و به نام دوستی ملت‌ها باقی خواهد ماند.